



ماهیت صدور و امضای اسناد تجاری

عباس اصغرزاده گنجی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اسناد و قراردادهای تجاری، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات
اداری تهران (نویسنده مسئول)
justiceganji@gmail.com

حسین خانلری بهنمیری

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران

h.khanlari228@yahoo.com

پدرام رشیدی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Pedramrashidi27@yahoo.com

چکیده

در این مقاله سخن از اسنادی است که تحت عنوان اسناد تجاری خاص (برات، سفته، چک) بیان می شوند. بعد از صدور این اسناد (که غالباً با امضای صادر کننده ی سند صورت می گیرد) و شروع به گردش آنها، اشخاص دیگری مانند ظهنویس و ضامن و براتگیر به عناوین مختلف امضای خود را روی آن منعکس می کنند. که این امضاء تعهد جدیدی برای امضاء کننده محسوب می شود. حال پرسشی که مطرح می شود این است که این امضا که موجب ایجاد تعهد جدید برای امضاء کننده می شود، از چه ماهیتی برخوردار است؟ آیا می توان قرارداد را مبنای ایجاد تعهد دانست یا اینکه باید ماهیت آن را در قالب سایر نهادهای حقوقی از جمله ایقاع مورد بررسی قرار گیرد؟ که در این مقاله سعی شده است نظرات مختلف دکترین حقوق بررسی، سپس ایقاع بودن ماهیت صدور و امضای اسناد تجاری توجیه گردد.

کلید واژگان: تبدیل تعهد، انتقال طلب، وصف تجریدی اسناد تجاری، اصل استقلال امضاء ها، ایقاع



مقدمه

برات ، سفته ، چک سه نوع عمده از اسناد تجاری هستند که به آن ها اسناد براتی نیز گفته می شود.

اسناد تجاری به معنای خاص به اسنادی اطلاق می شود که قابل نقل و انتقال بوده ، متضمن دستور پرداخت مبلغ معینی به رویت یا به سررسید کوتاه مدت می باشند و به جای پول وسیله پرداخت قرار می گیرند و از امتیازات و مقررات ویژه قانونی تبعیت می کنند(اخلاقی، ۱۳۷۶، ۲۹).

حقوق تجارت به منظور تسهیل در گردش ثروت و رفع مشکلات انتقال طلب سند تجاری را به وجود آورده تا تأمین بیشتری به دارنده آن اعطا نماید و ورقه ای که حق طلب به طور مادی در آن منعکس شده، سند را تشکیل می دهد.(عرفانی، ۱۳۸۵، ۱۷).

اصولاً هیچ نوشته ای بدون امضا یا ابزار جایگزین آن مثل اثر انگشت یا مهر اعتبار و سندیت ندارد و انتساب آن به شخص یا اشخاص معین ممکن نمی باشد. با امضا، مهر یا اثر انگشت است که نوشته سندیت پیدا می کند و می توان آن را به شخص معینی منتسب کرد. اسناد تجاری نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

وجود امضا در سند تجاری، حکایت از اراده انشایی امضا کننده یا متعهد بر قبول موضوعی خاص یا مندرج در سند و آثار قانونی ناشی از آن دارد که همین امر می تواند مستند ایجاد تعهد و الزام متعهد به انجام تعهدش قرار گیرد.

۱-ویژگی اسناد تجاری

اسناد تجاری قابل ظهر نویسی بوده و نماینده یک تعهد نقدی میباشد اما آنچه این اسناد را از دیگر اسناد متمایز می گرداند، ویژگی تجریدی تعهدات ناشی از آن ها می باشد(اسکینی، ۱۳۹۲، ۶)همچنین ویژگی شکلی این اسناد نیز ماهیت خاص به آن می دهد.

۱-۱.ویژگی تجریدی اسناد تجاری

برخلاف اسناد غیر تجاری که سند کاملاً جنبه تبعی دارد و خود سند موضوعیت نداشته بلکه حاکی از وجود تعهد است، اسناد تجاری خود موضوعیت داشته و متضمن تعهدی به نام تعهد براتی هستند. صادر کننده سند تجاری (چک، برات، سفته) اصولاً به خاطر دینی که به دیگری دارد اقدام به صدور سند تجاری در وجه یا حواله کرد او می کند. با صدور سند تجاری تعهد جدیدی بر عهده صادر



کننده به وجود می آید که به تعهد براتی معروف است و رابطه حقوقی سابق که به خاطر آن سند صادر شده است رابطه حقوقی سابق یا تعهد منشأ می نامند.

مقتضای ویژگی تجریدی بودن اسناد تجاری در این است که کیفیت رابطه حقوقی منشأ که علت صدور یا ظهر نویسی سند تجاری است، تأثیری در تعهد براتی نداشته باشد، زیرا تعهد براتی از تعهد حاصل از معامله اصلی جدا و مستقل است. به عبارتی دیگر برخلاف عقد حواله یا سایر عقود تبعی که صحت آن ها منوط به صحت رابطه حقوقی منشأ است، تعهد براتی در عین حال که راجع به تعهد منشأ است، تابع آن نیست. از این رو بطلان یا از بین رفتن تعهد منشأ موجب بطلان یا بی اعتباری سند تجاری نمی شود (دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۴، ۴۸۴). همانطور که یکی از فقها در خصوص مسوولیت صادرکننده سفته بیان داشته اند ((تعهد مستقلی محسوب می شود)) (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، درس ۱۰۸۴)

اسناد تجاری به خودی خود معرف طلب صاحب آن می باشد، و روابط حقوقی که ممکن است بین امضاکنندگان و ظهرنویسان موجود باشد و ادعاهایی که هریک از آن ها بر دیگری درباره ی معامله ای که منجر به صدور سند تجاری شده است داشته باشند در حقوق صاحب سند تأثیری ندارد. (ملک زاده، ۱۳۸۹، ۱۱۹)

۱-۲. ویژگی شکلی اسناد تجاری

مکتوب بودن یکی از مشخصات اصلی یک سند تجاری محسوب می شود. مکتوب بودن متضمن این نکته است که عبارات و کلمات روی یک برگه کاغذی ثبت و ضبط شده است و امضای ذیل آن، انتساب آن برگه را به صادرکننده نشان می دهد (شیروی، میری، ۱۳۸۷، ۱۹)

در اسناد تجاری خاص، با توجه به شکل رایج و معمول آن ها این امکان وجود دارد که صرف امضای سند، حقوق مندرج در آن بدون آن که نیاز به تشریفات خاص دیگر باشد به دیگری انتقال یابد (یثربی قمی، ۱۳۸۹، ۱۲۶)

۲. اصول حاکم بر اسناد تجاری

اصل استقلال امضاها، یکی از اصول مهم اسناد تجاری به حساب می آید. بر اساس این اصل، هر امضا کننده سند تجاری مطابق مقررات مربوط مسئول تعهدات ناشی از سند است. مگر در موارد استثنا، مانند فقدان اهلیت یا قصد و رضای امضا کننده یا عدم وجود شرایط شکلی سند. همچنین بر



مبنای قاعده مذکور اصل دیگری تحت عنوان اصل عدم توجه ایرادات به منظور حمایت هر چه بیشتر از دارنده بدون سو نیت سند تأسیس و به رسمیت شناخته شده است.

۲-۱. اصل استقلال امضاها

معمولا امضا کنندگان متعددی در سند تجاری مداخله نموده و تحت شرایطی مسئولیت پرداخت را برعهده می گیرند. بر مبنای اصل استقلال امضاها، هر امضایی باید مستقل و بی ارتباط با امضات دیگر در نظر گرفته شود. صحت یا بطلان هر یک از امضاها مندرج در سند نباید به مورد امضاها دیگر تسری پیدا کند، و آثار و وضعیت حقوقی آن را تغییر دهد. هر امضا بیانگر تعهد مستقل نسبت به امضاها دیگر و حاکی از تعهد امضاکننده آن است.

به موجب اصل استقلال امضاها همین که سند تجاری امضا گردیده است، وصف تجردی پیدا کرده و متعهدین آن به طور مستقل در مقابل دارنده آن مسوولیت می یابند. (ابوعیدالمحامی، ۱۹۹۳، ۳۴۳)

اصل مسئولیت تضامنی امضا کنندگان سند، تعهد براتکش، متعهد در سفته و صادرکننده چک، تعهد مربوط به قبولی براتگیر و تعهد ظهر نویسان اسناد مذکور، همه نشان دهنده مسئولیت مستقل امضاکنندگان بر مبنای امضاها آن ها در سند است. (اله آبادی، ۱۳۷۷، ۱۳)

۲-۲. اصل عدم توجه ایرادات

ماده ۱۷ قانون متحد الشکل ژنو به بیان اصل مذکور پرداخته و مقرر داشته است: «صاحبان امضای مورد تعقیب نمی توانند علیه دارنده برات به روابط شخصی خود با براتکش یا دارندگان قبلی برات استناد نمایند مگر آن که دارنده با سوء نیت به زیان مدیون سند را تحصیل کرده باشد»

مطابق این ماده، اصل بر عدم قابلیت استناد امضا کننده سند، به روابط مستقیم خود با امضاکنندگان سابق و یا براتکش در مقابل دارنده بدون سوء نیت است.

به عنوان مثال اگر براتگیر ادعا کند که چون معامله مربوط به برات فسخ شده و دین او به براتکش از بین رفته است، موجب سلب مسئولیت و برات ذمه او از تعهد برواتی نخواهد شد.

پس می توان بیان داشت، ادعای هر شخص نسبت به سند و ایراد مسئولین سند در برابر دارنده با حسن نیت سند جز در موارد استثنایی قابل استناد نیست. (کاویانی، ۱۳۹۲، ۱۴۲)

۳. ماهیت امضای اسناد تجاری



هدف این است که با بررسی ماهیت حقوقی امضای اسناد تجاری، مشخص گردد که کدام قالب و پوشش حقوقی را می توان مطابق با این اسناد دانست و ماهیت حقوقی این اسناد با توجه به موازین حقوق تجارت و دکترین حقوقی توجیه کننده چه تأسیس یا نهادی می تواند باشد.

در این خصوص حقوقدانان برای تعیین ماهیت حقوقی این اسناد، بیشتر از برات به عنوان بارزترین و مهمترین سند تجاری در قلمرو معاملات تجاری سخن گفته اند، در مباحث ذیل نظریه هایی که در خصوص ماهیت حقوقی اسناد تجاری بیان شده ، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳-۱. تبدیل تعهد

یکی از کاربردهای اسناد تجاری، استفاده از آن ها به عنوان وسیله ایفای تعهد و پرداخت دین است. صدور این اسناد الزاماً متوقف بر وجود معامله اولیه یا قرارداد پایه بین اشخاص نیست، بلکه ممکن است به انگیزه هبه و کمک های مالی، سند تجاری صادر شود.

طبق نظریه مبتنی بر تبدیل تعهد وقتی سند تجاری صادر یا ظهر نویسی شده و در اختیار ذی نفع قرار می گیرد، در عوض طلبی است که ذی نفع در معامله اصلی از صادر کننده یا ظهر نویس داشته است و در واقع این عمل حقوقی یعنی صدور یا ظهر نویسی و انتقال سند موجب عدم قابلیت استناد به تعهد اولیه امضا کننده آن می گردد.

به عبارت دیگر تعهد ناشی از سند تجاری سبب سقوط تعهد اولیه (اصلی یا پایه) و تضمینات آن گردیده و جایگزین آن می شود.

در دفاع از این نظر دو گونه استدلال ارائه شده است : (صقری، ۱۳۸۰، ۷۲، ۷۱)

۱- سند تجاری یک وسیله است و تنها تعهد مر بوط به معامله اصلی در آن انعکاس می یابد. اما با این توضیح که در بدهی اصلی تغییر و تحولی از نظر زمان و مکان و غیره در پرداخت دین ایجاد می شود و به صورت تعهد براتی در می آید.

۲- تعهد ناشی از سند تجاری تعهد جدیدی است و مستقل و منفک از رابطه معاملاتی اصلی ایجاد می شود بنابراین صدور یا ظهر نویسی سند موجب تبدیل تعهد می شود به طوری که تعهد براتی ، جایگزین تعهد معاملاتی می گردد.



برخی در جهت تأیید نظر فوق گفته اند: وصف تجریدی و اصل عدم توجه ایرادات دلالت بر این دارد که با صدور سند تجاری در واقع متعاملین تعهد سابق را به تعهد جدید با تمامی مزایا و امتیازات قانونی آن تبدیل کرده اند (بهرامی، ۱۳۸۲، ۴۴)

نظریه ای که مخالف نظریه فوق ارائه گردیده است، نظریه مبتنی بر عدم تبدیل تعهد است برخی معتقدند اعمال یا گفتاری که دلالت آن روشن نباشد نمی تواند مثبت تبدیل تعهد گردد. لذا اگر برای اطمینان بیشتر طلبکار، چک یا برات در وجه او صادر و به او تسلیم شود، این اعمال به خودی خود تبدیل تعهد را اثبات نخواهد کرد، زیرا این اقدامات ظاهر در فراهم آوردن تأمین بیشتر و دلیل محکم تر نسبت به همان تعهد قبلی و یا زمینه ایفای همین تعهد است نه جانشین کردن آن با تعهد جدید (شهیدی، ۱۳۸۱، ۱۵۸)

نظر اقلیت قضات دادگاه های حقوقی دو سابق به این شرح می باشد:

«معمولاً صدور چک مسبوق به وجود قرارداد است در ما نحن فیه نیز صدور چک توسط مستأجر مسبوق به قرارداد اجاره بوده است... دلیلی بر زوال قرارداد سابق نیست و صرف صدور چک حقوق و تکالیف گذشته طرفین را از بین نمی برد و تبدیل تعهد نمی شود. (نویخت، ۱۳۶۸، ۲۴۶)

در موردی مشابه نظر قضایی قضات دادگستری تهران که به اتفاق آرا ارائه شده بدین شرح است: «طبق ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک وسیله پرداخت است و صرف دریافت آن توسط بایع به منزله دریافت ثمن نیست بلکه طرفین بدین طریق کیفیت دریافت یا پرداخت ثمن را مقرر نموده اند. (معاونت قضایی، آموزش و تحقیقات علمی دادگستری تهران، ۱۳۸۰، ۳۵)

در تأیید نظریه عدم تبدیل تعهد می توان بیان داشت برای اینکه قصد تبدیل تعهد واضح باشد باید تعهد جدید با تعهد قدیم در یکی از ارکان مهم مغایر باشد. به طور مثال تغییر موضوع یا منشأ دین، تغییر داین یا مدیون، متضمن تغییرات اساسی است که به وضوح حاکی از قصد تبدیل تعهد است، اما اضافه کردن مدت، تغییر مکان تأدیه به تنهایی مفید قصد تبدیل تعهد نمی باشد.

لذا صدور برات و سفته بابت ثمن مبیع تبدیل تعهد در مورد ثمن تلقی نمی گردد. بلکه نوعی تضمین بر پرداخت ثمن است. (نیک فرجام، ۱۳۸۳، ۱۲۸)

البته دلایلی مثل اصل استصحاب بر بقای قرارداد پایه، و اصل عدم تبدیل تعهد، نظریه عدم تبدیل تعهد را تأیید می نماید. مسأله مهم دیگری که باید توجه داشت اینکه در همه موارد صدور اسناد تجاری، به



تبع قرارداد پایه نیست ممکن است به هدف هبه صورت گیرد، در این مورد آیا با نظریه تبدیل تعهد می توان به ماهیت امضای اسناد تجاری پی برد؟

۲-۳ انتقال طلب

به موجب این نظریه، طلب برات کش (صادر کننده) از برات گیر (محال علیه) به دارنده برات انتقال می یابد (توکلی کرمانی، ۱۳۷۸، ۴۳)

در انتقال طلب، انتقال گیرنده از هر حیث جانشین انتقال دهنده می شود، و از همان مزایا برخوردار است. انتقال گیرنده نمی تواند بیش از آن چه انتقال گرفته است ادعا کند یا دفاعی را که مدیون می توانست در برابر انتقال دهنده بکند، متوجه خود نداند (کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، ۱۳۸۵، ۲۴۸)

از نظر حقوقی معامله براتی را نمی توان با تأسیس انتقال طلب، توجیه و منطبق کرد، زیرا:

۱- در برات حقوق منتقل الیه از حقوق انتقال دهنده بیشتر است چرا که منتقل الیه در صورت مراجعه به براتگیر و عدم دریافت مبلغ برات حق مراجعه به صادرکننده را خواهد داشت در حالی که این امر در مورد انتقال طلب صادق نمی باشد.

۲- در انتقال طلب مسئولیت تضامنی وجود ندارد حال آن که در برات چنین مسئولیتی پذیرفته شده است.

۳- در انتقال طلب، تعهد با همان وضعیت که پیش از انتقال دارد از شخصی به شخص دیگر منتقل می شود، تمام ایرادات و دفاعیات و تضمینات که پیش از انتقال ممکن بود به وسیله مدیون در برابر طلبکار مطرح است، پس از انتقال نیز قابل استناد خواهد بود، حال آن که در برات اینگونه نمی باشد، هیچ یک از مسئولین برات نمی تواند به روابط شخصی خود با دیگری استناد کند، چرا که در اسناد تجاری اصل عدم توجه ایرادات پذیرفته شده است.

۴- در انتقال طلب قبولی مدیون شرط نیست، در حالی که در برات، در صورت عدم قبولی براتگیر، براتگیر مسئولیتی ندارد. برات یک پدیده حقوقی مجرد است و با درک جنبه تجریدی آن می توان به حقیقت و ماهیت آن دست یافت. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ۴۳۳)



انتقال طلب مدنی، چنانچه با تنظیم سند همراه باشد، دلیل و مبین یک رابطه حقوقی است و سند انتقال طریقیست دارد و حال آن که برات مستقلاً متضمن یک تعهد تجاری است و موضوعیت دارد (اخلاقی، ۱۳۷۶، ۱۸۱)

۳-۳. وکالت

طبق این نظریه برات دهنده به دارنده آن وکالت می دهد که مبلغ مندرج در برات را در سررسید معین از محال علیه وصول نماید. (عرفانی، ۱۳۸۵، ۳۴)

پرسشی که مطرح می شود این که، اگر براتگیر برات را قبول نکند، آیا مسئولیتی در قبال پرداخت وجه برات دارد؟ پاسخ منفی می باشد. حال که براتگیر مسئولیتی ندارد، وکیل (دارنده برات) برای انجام امر نیابت باید به چه شخصی مراجعه کند؟ لذا ماهیت حقوقی اسناد تجاری قالب عقد وکالت نیز توجیه نمی شود

اما می توان فرضی را مطرح کرد که برات دهنده بدو قبولی برات را اخذ کرده است و آن را به دارنده منتقل می کند. همچنین این نظریه (نظریه وکالت) با صدور چک تطابق بیشتری دارد.

لیکن دلیل دیگری که موجب عدم پذیرش این نظریه می گردد، این که ، در عقد وکالت با موت یا جنون وکیل و موکل عقد منحل می گردد، در حالی که چنین قاعده ای در اسناد تجاری اعمال نمی گردد، به طور مثال چنانچه پس از صدور چک، صادر کننده فوت کند، مانع از این امر نیست که دارنده به محال علیه مراجعه و وجه چک را وصول کند.

۳-۴. حواله

به موجب این نظریه در دستوری که براتکش به شخص ثالث (براتگیر) مبنی بر پرداخت وجه می دهد، در واقع طلب خود را از براتگیر به دارنده برات حواله داده است. به عبارت دیگر با صدور برات طلب براتکش از ذمه مدیون (براتگیر) به ذمه شخص ثالث منتقل می گردد و به این ترتیب نوعی عقد حواله تحقق می پذیرد.

در این نظریه، اشکال وارد بر نظریه انتقال طلب ، که قبولی براتگیر (محال علیه) وجود نداشت ملاحظه نمی گردد، یعنی در این نظریه قبولی براتگیر شرط است.

اما در این نظریه نیز این اشکال وارد است که اگر برانگیز برات را قبول نکنند ، ماهیت حقوقی برات به صورت عقد حواله توجیه پذیر نخواهد بود.

و اشکال مهمی که بر این نظریه وارد است این که در عقد حواله، اصل نقل ذمه به ذمه جاری است اما در سند تجاری اصل ضم ذمه بر ذمه حاکم است(توکلی کرمانی،۱۳۷۸،۴۵) بنابراین این نظریه نیز ،ماهیت حقوقی اسناد تجاری را توجیه نمی کند.

۴.نظر مختار

با توجه به مباحث گذشته ، هیچ یک از نظریه هایی که بیان شد نمی تواند ماهیت امضای اسناد تجاری را توجیه کند. همان طور که ملاحظه شد،همه نظریه های مذکور،ماهیت حقوقی اسناد تجاری را عقد تلقی کردند.لیکن با توجه به دلایلی که بیان خواهد شد ،ماهیت امضای اسناد تجاری به نظریه ایقاع بودن نزدیکتر خواهد بود.

۴-۱.دلایل رد نظریه عقد بودن ماهیت امضای اسناد تجاری

اگر با دقت نظر بیشتری به مواد قانون تجارت توجه شود،اعم از مواد ۲۲۳ ، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۴۶ ملاحظه می گردد در همه ی موارد سخن از پذیرش تعهد از سوی برات دهنده،برات گیر،ظهر نویس می باشد،در حالی که در خصوص پذیرش این تعهد از سوی دارندگان سخنی به میان نیامده است،که این امر دلالت بر، عدم نیاز به توافق جهت ایجاد تعهد برای امضا کنندگان سند ،می نماید.

همچنین اگر فرض شود چکی در وجه شخص مجنون صادر شود، و قیم مجنون مطالبه وجه چک نماید با توجه به نظریه عقد بودن ماهیت امضای اسناد تجاری، آیا صادر کننده می تواند به استناد عقد بودن عمل صدور چک، به جنون دارنده و بطلان عقد استناد کند و خود را مسوول نداند؟درحالی که حقوقدانان در جهت توجیه عدم مسوولیت امضا کنندگان ،به عدم اهلیت آنها اشاره داشته اند ،بدون اینکه اهلیت دارنده را مورد توجه قرار داده باشند.

دلایل مذکور در مبحث بعدی نیز دلایل رد نظریه عقد بودن را توجیه می کند.

۴-۲.دلایل ایقاع بودن ماهیت امضای اسناد تجاری

منبع تعهد امضا کننده ایقاعی است که تنها به اراده هر یک در برابر دارنده احتمالی واقع می شود.

به موجب این نظر، اراده صادر کننده سند است که دین را ایجاد می کند و با اعلام اراده خویش ملتزم می شود که آن دین را به هر کس که در روز وعده مالک سند باشد بپردازد.

در نقد این نظر گفته شده است، صدور سند تجاری به تنهایی ایجاد دین نمی کند و صادر کننده می تواند آن را از بین ببرد، تعهد زمانی آغاز می شود که سند به دارنده تسلیم شود و در جریان انتقال قرار گیرد و همین امر مبنای قراردادی تعهد را تایید می کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۱۰)

در پاسخ به این اشکال می توان بیان داشت ، در مسأله زمان عقود مکاتبه ای که نظریه ارسال قبول مورد پذیرش قرار گرفته است ، چرا که طرح مربوط به قبول با تسلیم نامه به اداره پست به انشای قطعی تبدیل می شود. این اقدام اماره قاطع بر اعلام اراده است. (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱۳۸۵، ۳۶۱)

لذا در فرض مسأله می توان بیان داشت پیش از تسلیم سند تجاری به دارنده، اراده قطعی امضا کننده برای ایجاد تعهد احراز نمی گردد، لیکن پس از تسلیم سند تجاری به دارنده این اراده قطعی کشف خواهد شد.

به عبارت دیگر نقل و انتقال اسنادی مانند برات و سفته نمی تواند از قبض و تصرف فیزیکی سند کاغذی آن جدا باشد. (شیروی، میری، ۱۳۸۷، ۲۰)

همچنین اگر سند تجاری از طریق واسطه های الکترونیک ایجاد ، یعنی صادر و سپس به دارنده منتقل گردد ، از هنگام ورود به سیستم مخاطب است که عمل ارسال آن داده پیام، یعنی صدور سند محقق گردیده است. همچنین است در مورد ظهر نویسی، لذا اگر به هر دلیل سند به طرف دیگر نرسد، ارسال سند ناکام مانده و بنابر این عمل مورد نظر عقیم می ماند. (منبع پیشین، ۲۱ و ۲۲)

در اسناد تجاری ماهیت تعهد هر یک از امضا کنندگان مستقل بوده و دارای خصوصیت تعهد براتی است. تعهد براتی دارای خصوصیت یک طرفه است به این معنا که ماهیت تعهد هر یک از امضا کنندگان (به غیر از تعهد ضامن که ویژگی تبعی بودن را دارد.) در مقابل طلبکار مستقل می باشد. (سید احمدی سجادی، ۱۳۸۱، ۱۰۳)

۴-۲-۱. مسئولیت نسبی صادر کنندگان متعدد



اگر در اسناد تجاری دو یا چند شخص به اشتراک سفته، برات یا چک را صادر نمایند، آیا مسئولیت هر کدام نسبت به کل مبلغ مندرج در این اسناد، تضامنی است یا هر کدام نسبت به سهم معینی مسئولیت دارند؟

از اطلاق ماده ۲۴۹ قانون تجارت نمی توان حکم به تضامنی بودن مسئولیت هر صادرکننده نسبت به کل مبلغ مندرج در این اسناد نمود. لذا با توجه به عدم تصریح قانونگذار در این خصوص باید صادرکنندگان را به اشتراک مسئول دانست و حکم به تسهیم مسئولیت به نحو تساوی داد(سید احمدی سجادی، ۱۳۸۱، ۹۷) چرا که در نظام حقوق ما، در مسئولیت جمعی، اصل مسئولیت نسبی یا مشترک است. (فخاری، ۱۳۸۷، ۵۷).

پذیرش این اصل به معنای پذیرش اراده مفروض طرفین است، پرسش این است که اگر اراده ایجاد تعهد نمی کند، چگونه برای تعیین میزان تعهد به اراده توجه می شود؟ به گونه ای که اگر یکی از صادر کنندگان ۲/۳ و دیگری ۱/۳ مسئولیت را پذیرفته باشند به همان اراده ترتیب اثر داده می شود. لذا اراده ایجاد تعهد کرده و میزان آن را نیز تعیین می کند، بدون آن که اراده دارنده سند تجاری در میزان این مسئولیت دخیل باشد مگر اینکه شرط شده باشد.

۲-۲-۴ انتقال سند تجاری بدون ظهر نویسی

یکی از ویژگی های اسناد تجاری، انتقال این اسناد بدون ظهر نویسی یا از طریق قبض و اقباض می باشد. فرض کنید چک در وجه حامل صادر و به دارنده تسلیم شده است، دارنده نخست، این چک را بدون امضای ظهر چک به دارنده دوم منتقل می کند، پرسشی که مطرح می شود این است که آیا دارنده نخست یکی از مسئولان چک تلقی می گردد؟

پاسخ منفی می باشد، چرا که اراده دارنده اول برای ایجاد تعهد و قبول مسئولیت در سند تجاری منعکس نشده است، به عبارت دیگر دارنده اول، امضای خود را در ظهر چک منعکس نکرده است، لذا

۱- رویه قضایی در این مورد گرایش به اصل اشتراکی بودن مسئولیت دارد:

الف- هرگاه صادر کنندگان سفته دو نفر باشند، نسبت به یکدیگر مسئولیت تضامنی ندارد. (حکم تمیزی شماره ۵۴۸ مورخ ۳۸/۲/۴

هیأت عمومی دیوان عالی کشور-عرفانی، توفیق، ۱۳۸۰، ۲۷)

ب- نظر به اینکه به حکایت کیی سفته های مستند دعوا متعهد پرداخت وجه سفته هادو نفر می باشند که ظاهراً تعهد آنان نسبت به پرداخت وجه سفته ها بالمناصفه است زیرا در اوراق مزبور خوانندگان تعهد تضامنی نکرده اند(دادنامه ۲۳/۵۲۵، مورخ ۶۹/۱۰/۱۰ شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور-بازگیر، ۱۳۷۷، ۳۹)



اراده دارنده اول که مبین ایجاد تعهد برای او می باشد احراز نمی گردد، و چون اراده ایجاد تعهد نکرده است در این سند تجاری مسئولیت ندارد.

پرسش دیگری که ممکن است مطرح شود این که، اگر دارنده دوم اثبات نماید که چک را از دارنده اول دریافت کرده است، آیا دارنده اول در قبال سند تجاری مسئولیت دارد؟ پاسخ این پرسش نیز منفی می باشد. باید توجه داشت که سند تجاری خاص تنها وسیله پرداخت نیست. به عبارت دیگر سند تجاری طریقت ندارد بلکه موضوعیت دارد (اخلاقی، ۱۳۷۶، ۱۸۱).

همان طور که بیان شد چون اراده دارنده اول جهت ایجاد تعهد در سند انعکاس نیافته، لذا مسئولیتی نخواهد داشت. همچنین ماده ۲۴۹ قانون تجارت که مقرر داشته «... ظهر نویس ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند...» و ماده ۲۴۶ همین قانون «ظهر نویسی باید به امضای ظهر نویس برسد...» پاسخ این پرسش ها را تأیید می کند، چراکه در ماده ۲۴۹ این قانون از مسئولیت ظهر نویسان سخن گفته است، بدون اینکه مسئولیت انتقال دهندگان را مورد توجه قرار دهد. (انتقال دهندگان بدون امضا) که به نوعی بر موضوعیت داشتن سند تجاری صحت می گذارد. بنابر این سند تجاری به محض صدور و گردش، از منشا اصلی و علت صدور خود منتزع می گردد و نسبت به وجه مندرج در آن موضوعیت می یابد. (سید احمدی سجادی، ۱۳۸۱، ۱۰۵).

تعهد ظهر نویس، تعهد تضامنی، مستقل و دارای وصف تجردی است و امضای او از یک طرف تضامنی و از طرف دیگر، تعهدی اصلی و مجرد است. (منبع پیشین، ۱۰۷).

۴-۲-۳ حذف کلمه (حواله کرد) یا قید عبارت (غیر قابل انتقال)

در برخی موارد صادرکننده سند تجاری کلمه (حواله کرد) را حذف می نماید یا عبارت (غیر قابل انتقال) را در سند تجاری قید می کند.

آن چه از این اختیار صادر کننده استنباط می شود، این است که اراده او به این امر تعلق گرفته است که خود را تنها در برابر دارنده اول متعهد گرداند و در مقابل دارندگان بعدی متعهد نگردد، به عبارت دیگر در تعیین محدوده مسئولیت صادر کننده، تنها اراده او ملاک عمل قرار می گیرد، در صورتی که اگر اراده صادرکننده منبع تعهد تلقی نمی گردید در برابر دارندگان بعدی مسئولیت داشت.

۴-۲-۴ قبولی قسمتی از وجه برات



ماده ۲۳۲ قانون تجارت در خصوص قبولی برات مقرر می دارد: «ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد، در این صورت دارند ه ی برات باید برای بقیه اعتراض نماید»

مطابق این ماده، ممکن است براتگیر قسمتی از وجه برات را قبول کند آنچه از این ماده استنباط می شود این است که اراده براتگیر، در تعیین میزان مسئولیت دخالت دارد به عبارت دیگر به میزان اراده خود مسئولیت دارد، خارج از اراده براتگیر مسئولیتی برای او ایجاد نمی گردد، حتی اگر مورد پذیرش دارنده نباشد، که این امر مبین، ایجاد تعهد تنها به اراده براتگیر است و منوط به توافق با دارنده نمی باشد، به بیان روشن تر، ایقاع منبع تعهد تلقی می گردد.

همچنین ماده ۲۲۹ قانون تجارت که مقرر می دارد: «... اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جز از برات باشد، بقیه وجه برات قبول شده محسوب است...» مطالب مذکور را تأیید می نماید.

تا زمانی که برات گیر برات را امضاء نکرده است، هیچ گونه مسئولیتی نخواهد داشت عمل قبولی از نظر ماهیت، ایقاع محسوب می شود که مبنای ایجاد آن از رابطه ی دینی بین برات کش و براتگیر حاصل شود. این قبولی متضمن تعهد براتی است که این تعهد از خود ورقه برات (به عنوان یک سند تجاری) که دارای شرایط شکلی خاصی است ناشی می گردد.

عمل قبولی صرفاً مبین وجود یک رابطه ی دینی نیست بلکه خود جنبه ی تاسیسی دارد اعم از اینکه برات دارای محل باشد یا نباشد، قبولی معرف یک تعهد مستقل تجاری است. (سید احمد سجادی، ۱۳۸۱، ۱۰۵ و ۱۰۶) لذا

قبولی برات، تعهد اصلی، مجرد، مستقل است. (الیاس، ۱۹۹۳، ۲۹۳. ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ۵۷)

۴-۲-۵. قبولی مشروط به شرط در برات

ماده ۲۳۳ قانون تجارت مقرر می دارد: «اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود، ولی معهداً قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.» بر اساس ماده مذکور اراده براتگیر به این امر تعلق گرفته است که در صورت تحقق شرط برای او ایجاد تعهد شود، و او مسئول تلقی گردد، در این مورد نیز تنها به اراده براتگیر تعهد ایجاد می گردد، چرا که وقتی قانونگذار قبولی مشروط به شرط را نکول شده محسوب می دارد به این معنا می باشد که توافقی بین دارنده و براتگیر صورت نگرفته است، یعنی عقدی واقع نگردیده است، خصوصاً اینکه دارنده وفق



ماده ۲۳۶ قانون تجارت اعتراض نکول نماید. اما با این وجود قانونگذار براتگیر را در حدود شرط مسئول می داند. تعهد و مسئولیتی که منبع آن تنها اراده براتگیر است.

نتیجه گیری :

آنچه از مطالب یاد شده استفاده می شود آنست که صراحتاً یا تلویحاً اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری به حق مورد توجه قرار گرفته است. این دو اصل همانند اصل مسئولیت تضامنی امضاکنندگان از دارنده با حسن نیت سند و نیز اعتبار سند در سطح ملی و فرا ملی تأسیس و به رسمیت شناخته شده است. چنانچه بدان پرداخته شد در اینخصوص که آیا تعهد ناشی از سند تجاری سبب سقوط تعهد اصلی و تضمینات آن می گردد یا خیر به دو نحو استدلال گردید. بدین ترتیب که برخی آنرا تبدیل تعهد دانسته و برخی نظر مخالف آن دارند که البته اصولی چون اصل استصحاب و اصل عدم، نظریه عدم تبدیل تعهد را تأیید می نماید. و اما در این باب که آیا ماهیت حقوقی اسناد تجاری عقد است یا ایقاع برخی با تمسک به نظریاتی چون انتقال طلب، حواله، وکالت، ماهیت آنرا عقد تلقی نموده اما چنانچه ملاحظه گردید با طرح موضوعات «مسئولیت نسبی صادرکنندگان متعدد»، «انتقال سند تجاری بدون ظهنویسی»، «حذف کلمه حواله کرد»، «قبول قسمتی از وجه برات» و «قبول مشروط به شرط در برات» ماهیت امضای اسناد تجاری به نظریه ایقاع بودن نزدیکتر است. همچنین در این مقاله دریافت می شود که در نظام حقوقی ما در مسئولیت جمعی، اصل بر مسئولیت نسبی یا مشترک است چرا که از اطلاق ماده ۲۴۹ قانون تجارت نیز نمی توان حکم بر تضامنی بودن مسئولیت هر صادر کننده نسبت به کل مبلغ مندرج در این اسناد نمود و به عبارت دیگر باید حکم به تسهیم مسئولیت به نحو تساوی داد. نتیجه دیگر آنکه، سند تجاری به محض صدور و گردش، از منشأ اصلی و علت صدور خود منتزع می گردد و نسبت به وجه مندرج در آن موضوعیت می یابد. همچنین دانستیم که تعهد ظهر نویس نیز تضامنی، مستقل و دارای وصف تجریدی است و امضای او از یک طرف تضامنی و از طرف دیگر تعهدی اصلی و مجرد است. لذا توجه به فرم و صورت ظاهر سند و رعایت شرایط صوری آن و عدم توجه به ایرادات و ادعای متعهدین و حتی بی تأثیر بودن «محل» برات در حقوق اسناد تجاری موجب اعتبار بیشتر و استقلال ذاتی سند می گردد و علاوه بر نزدیک ساختن آن به اسکناس، اصول اعتبار و سرعت در معاملات تجاری را که همواره مورد توجه قانونگذاران بوده است، تقویت می کند.

منابع و ماخذ



- ۱- ابو عید المحامی، الیاس، ۱۹۹۳، اسنادالتجاریه، بی نا.
- ۲- اخلاقی، بهروز، ۱۳۷۶، جزوه ی درس حقوق تجارت ۳ (اسناد تجاری) دوره ی کارشناسی، انتشارات دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۳- اسکینی، ربیعا، ۱۳۹۲، حقوق تجارت، برات، سفته،...، چاپ هجدهم، انتشارات سمت.
- ۴- الله آبادی، کمال، ۱۳۷۷، اصل استقلال امضاءها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، شماره های ۱۰ و ۱۱.
- ۵- بازگیر، پدالله، ۱۳۷۷، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی (۳)، نشر ققنوس.
- ۶- بهرامی، بهرام، ۱۳۸۲، حقوق تجارت کاربردی، انتشارات نگاه بینه-بهنامی.
- ۷- توکلی کرمانی، سعید، ۱۳۷۸، ماهیت حقوقی اسناد تجاری، ماهنامه ی دادرسی، شماره ی ۱۳.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۷، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، نشر بنیاد راستاد.
- ۹- دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی، قرائی، محسن، ۱۳۸۴، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، انتشارات میثاق عدالت.
- ۱۰- ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۷۵، حقوق تجارت، جلد سوم، نشر دادگستر.
- ۱۱- سید احمدی سجادی، علی، ۱۳۸۱، تضامن در اسناد تجاری، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۴.
- ۱۲- شهیدی، مهدی، ۱۳۸۱، سقوط تعهدات، چاپ دوم، انتشارات مجد.
- ۱۳- شیروی، عبدالحسین، میری، حمید، ۱۳۸۷، بررسی تطبیقی انتقال الکترونیکی اسناد تجاری (برات، سفته، چک) مجله حقوق خصوصی، شماره ۱۳.
- ۱۴- صفری، محمد، ۱۳۸۰، حقوق بازرگانی (اسناد)، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۵- عرفانی، توفیق، ۱۳۸۰، اسناد و دعاوی تجاری در آرای دیوان کشور، نشر ققنوس.
- ۱۶- عرفانی، محمود، ۱۳۸۵، حقوق تجارت، کلیات برات، سفته، چک، چاپ دوم، جلد سوم، نشر میزان.
- ۱۷- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۹، جامع المسائل، جلد اول، انتشارات امیر.
- ۱۸- فخاری، امیرحسین، ۱۳۸۷، اندیشه های حقوقی ۳، حقوق تجارت، چاپ اول، انتشارات مجد.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، حقوق مدنی ایقاع، چاپ چهارم، نشر میزان.



Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

۲۰- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، چاپ هفتم، جلد اول، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.

۲۱- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، چاپ سوم، نشر میزان.

۲۲- کاویانی، کوروش، ۱۳۹۲، حقوق اسناد تجاری، چاپ پنجم، نشر میزان.

۲۳- معاونت قضایی، آموزش و تحقیقات علمی دادگستری استان تهران، ۱۳۸۰، دیدگاه های قضایی قضات دادگستری استان تهران، نشر دادیار.

۲۴- ملک زاده، فهیمه، ۱۳۸۹، بررسی اهمیت اسناد تجاری با تطبیق قرآنی و حقوقی، مجله فقه و اصول، نامه الهیات، شماره ۱۲.

۲۵- نوبخت، یوسف، ۱۳۶۸، اندیشه های قضایی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸، انتشارات کیهان.

۲۶- نیک فرجام، کمال، ۱۳۸۳، معامله اسناد تجاری و تبدیل تعهد، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۳۲ و ۳۳.

۲۷- یثربی قمی، علی محمد، ۱۳۸۹، تصحیح و توجیه فقهی حقوقی توثیق اسناد تجاری، مجله حقوقی اسلامی، شماره ۲۶.